

## تقابل «نور و ظلمت» و دوگانه‌های همسو، در قرآن و حدیث

حجت اله علوی جاوید<sup>۱</sup>

عباس سماواتی<sup>۲</sup>

فاطمه خلیلی<sup>۳</sup>

### چکیده

زمینه و هدف: پژوهش پیرامون واژگان کلیدی و گزاره‌های بنیادین در کتب آسمانی و ادیان توحیدی از رویدادهای مهم در دین‌شناسی است که نقشی اساسی در حل مسائل نظری در حوزه الهیات و فلسفه دین دارد. واژه‌های «نور و ظلمت» از پرکاربردترین واژگان در قرآن کریم هستند؛ قرآن از تضاد «نور و ظلمت» در عالم طبیعت که از محسوس‌ترین پدیده‌ها برای ذهن بشر است، استفاده و تقابل معنایی دوگانه‌هایی همچون ولایت رحمانی با ولایت طاغوت، هدایت و ضلالت و ... را در قالب استعاره و تمثیل به افق دید مخاطبان نزدیک نموده است. در شبکه معنایی که قرآن تعریف می‌کند واژه «نور» با ولایت الهی، کتب آسمانی، پیامبران، ایمان و هدایت مترادف است و واژه «ظلمت» با شیطان، ولایت طاغوت، کفر و گمراهی، همسو است.

روش: این تحقیق با روش توصیفی، تحلیلی و استدلال منطقی با تکیه بر پردازش اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی انجام یافته است.

یافته‌ها و نتایج: تقابل «نور و ظلمت» در قرآن، نمادین است و این دو از دو اقلیم جدا نیستند تا یکی مخلوق الله و دیگری مخلوق شیطان باشد؛ با وجود تقابل نمادین خدا و شیطان، هرگونه ثنویت و دوگانه‌انگاری در منطق توحیدی قرآن مردود و حکمت تقابل شیطان با اوامر تشریعی الهی، لازمه تحقق سنت امتحان است که یکی از سنت‌های تغییرناپذیر خداوند است.

واژه‌های کلیدی: نور، ظلمت، ولایت رحمانی، ولایت طاغوت، تقابل، هدایت ضلالت.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی الهیات، گروه قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، تهران، ایران. [taha.azz.1364@gmail.com](mailto:taha.azz.1364@gmail.com)  
 ۲. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، تهران، ایران. [taha.ab.sama@chmail.com](mailto:taha.ab.sama@chmail.com)  
 ۳. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، تهران، ایران. [Fkhalili57@yahoo.com](mailto:Fkhalili57@yahoo.com)

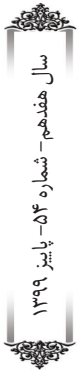
## مقدمه

قرآن کریم با تعریف یک شبکه معنایی گسترده، وجوه مختلف و گوناگون معنایی برای دو واژه «نور و ظلمت» و دوگانه‌های همسو با آنها به کار برده است، بر این اساس ابتدا دوگانه‌های مرتبط با «نور و ظلمت» در قرآن؛ مانند خدا و شیطان، خیر و شر و کفر و ایمان و ... که با هم در تقابل‌اند، احصاء و سپس ماهیت این تقابل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد؛ زیرا بدون تبیین ماهیت این دوگانه‌ها، فهم درست و روشنی از موضوع تقابل «نور و ظلمت» به دست نمی‌آید.

بسیاری از روایات تفسیری شیعی، واژه «نور» را در قرآن کریم بر کلام وحی (قرآن) ولایت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم علیهم السلام، و «ظلمت» را بر ولایت خلفای جور، شیطان و طاغوت تطبیق نموده‌اند. فهم دقیق معنای این واژگان، نیازمند استفاده از روش‌های معنی‌شناسی است تا از آن طریق، به معنای دقیق آنها دست یافت، یکی از این روش‌ها، استفاده از روش تقابل معنایی است. زبان‌شناسان شش نوع تقابل معنایی ذکر نموده‌اند؛ تقابل مدرج، تقابل مکمل، تقابل دوسویه، تقابل جهتی، تقابل واژگانی و تقابل تباین معنایی (سجادی و کرد زعفرانلو، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد تقابل «نور و ظلمت» و دوگانه‌های همسو با آنها از نوع «تقابل مکمل» است. در تقابل مکمل، نفی یکی از دو واژه مقابل هم، اثبات واژه دیگر است، و اثبات یکی از آنها نفی دیگری است.

مخاطبان قرآن کریم در عصر نزول، عامه مردم بوده و بر این اساس آیات وحی به زبان «عرف عام» نازل شده است؛ قرآن با ذکر مثال‌های معمولی و عامیانه، مفاهیم بلند خود را به افق ذهن مردم نزدیک نموده است. «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر، ۲۱) «این‌ها مثال‌هایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشند».

چنانکه می‌دانیم حجیت ظواهر قرآن مورد اتفاق علمای اصولی شیعه است. هرچند فهم بطون و دقایق قرآنی نیازمند تزکیه و تعلیم است، اما در قرآن دلایل متعددی بر حجیت ظواهر آیات و امکان فهم آنها برای همگان وجود دارد. از جمله اینکه قرآن، عموم بشر را به تعقل در آیات دعوت کرده و همه مشرکان و اهل کتاب را مخاطب قرار داده است؛ آیا می‌شود قرآن مردم را به



تعقل و فهم آیاتش دعوت کند ولی آن آیات قابل فهم نباشند؟ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد، ۲۴) «لَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (روم، ۲۷).

بر این اساس در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و استدلال منطقی، آراء و روایات تفسیری مرتبط با «نور و ظلمت» از منابع و تفاسیر معتبر شیعی، گردآوری و تبیین شده و از اسناد به برخی تأویل‌های دور از ذهن کتب تفسیری پرهیز شده است.

\* نور: راغب اصفهانی در مفردات گوید: نور روشنی منتشر شده است که به دیدن کمک می‌کند و بر دو گونه دنیوی و اخروی است. نور و روشنایی به معنای حسی آن مورد شناخت و معرفت همگان است اما در قرآن کریم افزون بر معنای حسی و طبیعی آن، در معانی کتاب قرآن، وحی، ولایت رسولان الهی، بصیرت و هدایت استعمال شده است. در ادبیات دینی دیگر ادیان همچون زرتشت، واژه نور معمولاً در مقابل تاریکی تعریف شده است.

\* ظلمت: ابن فارس در مقاییس اللغة ذیل ماده «ظلم» می‌گوید: ظ.ل.م، دو معنی اصلی دارد؛ ۱- تاریکی و سیاهی ۲- چیزی را به ستم در غیر موضع خود نهادن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق). ظلمات جمع سالم ظلمه به معنی تاریکی است. در فرهنگ لغات جامع المعاجم واژه ظلمت، به آنچه مخالف نور است، تعدی از حق، وضع شیء فی غیر موضعه تعبیر شده است.

### «نور و ظلمت» به معنای پدیده‌های طبیعی و آیت‌های الهی

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» (انعام، ۱)  
«ستایش برای خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و ظلمت‌ها و نور را پدید آورد؛ اما کافران برای پروردگار خود، شریک و شبیه قرار می‌دهند».

«جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ» به معنی خلقت است و چون در معنی کلمه «خلقت» ترکیب یافتن از اشیا گوناگون متصور است، از این جهت در خصوص نور و ظلمت به جای خلقت، تعبیر به جعل فرموده است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۵/۷).

## نور به معنای خورشید و ماه

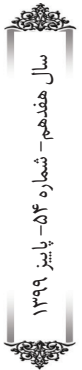
در برخی از آیات قرآن کریم خورشید و ماه به نور تشبیه شده است. در آیه ۵ از سوره یونس و آیه ۱۶ از سوره نوح، خورشید را ضیاء و سراج، و ماه را نور نامیده است. راغب، ضیاء بالاترین مرتبه نور دانسته است و چنین می گوید: «و الضیاء اعلى مرتبه من النور، اذا كل ضیاء نور و ليس كل نور ضیاء». همچنین او سراج را منبع نور معرفی کرده و در این خصوص آورده است که خورشید را از آن جهت سراج گویند که منبع نور است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۸۸).

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (یونس، ۵) «او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاههایی مقدر کرد، تا عدد سالها و حساب (کارها) را بدانید؛ خداوند این را از به حق نیافریده؛ او آیات (خود را) برای گروهی که اهل دانش اند، شرح می دهد».

«تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ جَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا» (فرقان، ۶۱) «جاودان و پربرکت است آن (خدایی) که در آسمان منزلگاههایی برای ستارگان قرار داد؛ و در میان آن، چراغ روشن و ماه تابانی آفرید».

صاحب تفسیر کشاف معتقد است که مراد از «سراج» در اینجا خورشید است؛ زیرا خدا می گوید: «وَ قَمَرًا مُنِيرًا؛ ماهی تابان». نیز در آیه پنجم از سوره یونس می فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا». برخی میان ضوء و نور چنین تفاوت قائل شده اند که ضوء مستقیماً و بی واسطه به ستارگان نسبت داده می شود؛ مانند ضوء (نور) خورشید و نور چیزی است که با واسطه به ستارگان نسبت داده می شود؛ نظیر نور ماه که از خورشید گرفته است و برای اثبات این تفاوت به آیه «جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا» استدلال کرده اند (مغنیه، ۱۳۷۸: ۵/۷۷۸).

«لَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا \* وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا» (نوح، ۱۵ و ۱۶) «آیا نمی دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفریده است \* و ماه را در میان آسمانها مایه روشنایی، و خورشید را چراغ فروزانی قرار داده است».



بر این اساس، قرآن در آیه ۱۶ سوره نوح، خورشید را به واسطه آنکه منبع نور است، سراج و ماه را بدان جهت که روشنایی خود را از خورشید می‌گیرد نور نامیده است.

صاحب تفسیر مجمع البیان ذیل آیه «وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا» آورده است: یعنی خورشید را چراغ فروزان قرار داد برای اهل زمین، پس چون در خورشید نور برای روشنایی قرار داده شده آن چراغ عالم است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵/۳۴۵).

### ظلمات به معنای تاریکی در خشکی‌ها و دریاها

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَاتٍ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام، ۵۹) «کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی آنها را نمی‌داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار کتاب علم خدا ثبت است».

ظاهراً جمله «وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَاتِ الْأَرْضِ» و همچنین جمله «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ» معطوف بر «من ورقه» هستند؛ و مراد از ظلمات زمین، درون تاریک آن است که بذر گیاهان در آن نشو و نما می‌کنند و بعضی از آنها نیز همان‌جا می‌پوسند، و هیچ دانه‌ای در درون تاریک زمین نیست و همچنین هیچ برگ تر و خشکی از درخت نمی‌ریزد مگر اینکه خداوند بدان آگاه است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۸۳/۷).

«قُلْ مَنْ يُنجِيكُمْ مِنْ ظُلْمَاتِ الْبُرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (انعام، ۶۳) «بگو: چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا رهایی می‌بخشد؟ درحالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می‌خوانید؛ (و می‌گویید): اگر از این ما را رهایی می‌بخشد، از شکر گزاران خواهیم بود».

«أَمْ مَنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلْمَاتِ الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْهَ مَعِ اللَّهُ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (نمل، ۶۳) «یا کسی که شما را در تاریکی‌های صحرا و دریا هدایت می‌کند، و کسی که با دها را به‌عنوان بشارت پیش از نزول رحمتش می‌فرستد؛ آیا معبودی با خداست؟! خداوند برتر است از آنچه برای او شریک قرار می‌دهند».

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (انعام، ۹۷)  
 «او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا در تاریکی های خشکی و دریا، به وسیله آنها راه یابید! ما نشانه‌ها (ی خود) را برای کسانی که می دانند، (و اهل فکر و اندیشه‌اند) بیان داشتیم». سیاق آیات در آیات مبارکه ۵۹، ۶۳ و ۹۷ سوره انعام، آیه ۶۳ سوره نمل، صراحت دارد و ظلمات در معنی طبیعی و حسی آنها به عنوان روشنی و تاریکی در خشکی ها و دریاها استعمال شده است.

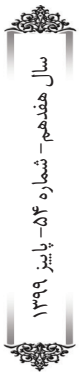
### ظلمات به معنای تاریکی در شکم ماهی

«وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیا، ۸۷) «و ذالنون [یونس] را به یاد آور، در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (اما موقعی که در کام نهنگ فرورفت)، در آن ظلمت‌ها (ی متراکم دریا و شکم ماهی) صدا زد: «(خداوندا!) جز تو معبودی نیست! منزهی تو! من از ستمکاران بودم».

سیاق این آیه بیانگر آن است که واژه ظلمات در داستان حضرت یونس (ع) بر تاریکی شکم ماهی دلالت دارد، در تفسیر قمی به نقل از امام صادق علیه السلام؛ ظلمات در این آیه در معنای تاریکی های سه گانه یعنی تاریکی شکم ماهی، تاریکی دریا، و تاریکی شب آمده است.

### ظلمات به معنای تاریکی های رحم مادر

«خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقَكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَاتِي تُصْرُفُونَ» (زمر، ۶) «او شما را از یک نفس آفرید، و همسرش را از او خلق کرد؛ و برای شما هشت زوج از چهارپایان ایجاد کرد؛ او شما را در شکم مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش دیگر، در میان تاریکی های سه گانه، می بخشد! این است خداوند، پروردگار شما که حکومت (عالم هستی) از آن اوست؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه از راه حق منحرف می شوید».



معنی آیه روشن است؛ منظور از ظلمات ثلاث، «تاریکی های» شکم مادر است، که برخی آن را بر تاریکی شکم، تاریکی رحم و تاریکی لباس مادر تطبیق نموده‌اند، چیزی که واضح است و با توجه به سیاق آیه به دست می‌آید آن است که در این آیه معنای حسی و فیزیکی ظلمات مورد نظر است و نه معنای استعاری و تمثیلی.

### نور و ظلمت در قرآن کریم؛ استعاره از کفر و ایمان

«قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (رعد، ۱۶) «بگو: چه کسی پروردگار آسمان‌ها و زمین است؟ بگو: الله! (سپس) بگو: آیا اولیا (و خدایانی) غیر از او برای خود برگزیده‌اید که (حتی) مالک سود و زیان خود نیستند (تا چه رسد به شما؟!)). بگو: آیا نابینا و بینا یکسان‌اند یا ظلمت‌ها و نور برابرند؟! آیا آنها همتیانی برای خدا قرار دادند به خاطر اینکه آنان همانند خدا آفرینشی داشتند، و این آفرینش‌ها بر آنها مشتبه شده است؟! بگو: «خدا خالق همه چیز است؛ و اوست یکتا و پیروز».

در تفسیر قمی «ظلمات و نور» در این آیه به کفر و ایمان تعبیر شده است (قمی، ۱۳۶۳: ۱/۳۶۲). از دلایل اینکه مراد از ظلمات و نور در این آیه کفر و ایمان است، یکی سیاق آیه است که خطاب به مشرکان است و دیگر اینکه چون قرآن کتاب هدایت است، در راستای اهداف تربیتی و معرفتی خود را در لفاف صنایع ادبی، استعاره و کنایه به ذهن مخاطب نزدیک می‌نماید، پس با ذکر واژگان «اعمی و بصیر» و «ظلمات و نور» که دویه‌دو باهم مترادف و تباین معنایی دارند، ظلمات را عامل نابینایی و نور را وسیله بینایی معرفی می‌کند. مؤید این موضوع آیه ۲۵۷ سوره بقره است که در آن ظلمات و نور را متجانس با کفر و ایمان می‌داند:

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره، ۲۵۷)  
 «خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمت‌ها، به سوی نور بیرون می‌برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوت‌ها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمت‌ها بیرون می‌برند؛ آنها اهل آتش‌اند و همیشه در آن خواهند ماند».

قرآن کریم در آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره فاطر (تکرار ساختار ذکر شده در آیه ۱۶ از سوره رعد) مراعات نظیر زیبایی را ارائه می کند که در اینجا واژگان یک آیه دوبه دو باهم تقابل معنایی دارند؛ آنگاه با دو واژه به کار رفته در آیه بعد مترادف معنایی پیدا می نمایند (حری، ۱۳۸۸: ۶۱).

«وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ» (فاطر، ۱۹) «و نابينا و بينا هرگز برابر نیستند». «وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ» (فاطر، ۲۰) «و نه ظلمتها و روشنایی».

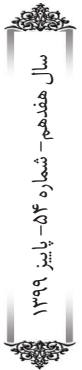
### نور و ظلمت در کنایه از گمراهی کفار و منافقان

قرآن کریم در آیه ۴۰ از سوره نور به زیبایی و با بهره گیری از دو واژه «نور و ظلمت» گمراهی های متراکم و پیچیده کافران و دوری آنان از نور هدایت را به تصویر کشیده است و گمراهی آنان را مثل کسی دانسته که در دریایی موج و طوفانی گرفتار و ابرهای تیره آنان را احاطه نموده اند.

«أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (نور، ۴۰) «یا همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که موج آن را پوشانده، و بر فراز آن موج دیگری، و بر فراز آن ابری تاریک است؛ ظلمت‌هایی است یکی بر فراز دیگری، آن گونه که هرگاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خدا نوری برای او قرار نداد، نوری برای او نیست».

علامه طباطبایی ذیل این آیه آورده است: در این آیه اعمال کافران را به حجاب‌ها و تاریکی‌ها تشبیه نمود تا معلوم شود که آن اعمال، حجاب‌هایی متراکم و ظلمت‌هایی است بر روی دل‌هایشان و نمی گذارد نور معرفت به دل‌ها رخنه کند و بتابد. وی در ادامه می گوید: «بحر لجی» به معنای دریای پر موجی است که امواج آن همواره در آمد و شد است، و اعمال کافران چون ظلمت‌هایی است که در دریای موج قرار داشته باشد.

پس عمل این کافران، مانند کسی است که سوار بر دریای موج شده، بالای سرش موجی و بالای آن موج دیگری و بالای آن ابری تیره باشد، چنین کسی در ظلمت‌هایی متراکم قرار دارد که دیگر ظلمتی بالاتر از آن نیست و به هیچ وجه نوری ندارد که از آن روشن شده، راه به سوی ساحل نجات پیدا کند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵/۱۸۳).





«وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ يُجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

(انعام، ۳۹) «آنها که آیات ما را تکذیب کردند، کرها و لال‌هایی هستند که در تاریکی‌ها قرار دارند.

هر کس را خدا بخواند گمراه می‌کند؛ و هر کس را بخواند بر راه راست قرار خواهد داد».

در اینجا سه صفت برای مشرکان و تکذیب‌کنندگان آیات الهی ذکر می‌کند، که هر سه از باب تشبیه است مشرکان کرها و گنگ‌هایی هستند که در تاریکی قرار دارند. از اینکه دو صفت اولی را با «واو» آورده ولی صفت سوم را بدون «واو» ذکر کرده، شاید بدان جهت است که در بعضی از آنان صفت کر بودن غلبه دارد و در بعضی دیگر صفت گنگ بودن، ولی همه در این صفت که در تاریکی قرار دارند، مساوی هستند». (جعفری، ۱۳۷۶: ۳/۳۹۱).

ذکر این نکته ضروری است که قرآن کریم در آیات متعدد در مورد ظلماتی که کفار در آن قرار دارند تذکر داده است که دو مورد آن عبارت است از:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره، ۲۵۷) «کسانی

که کافر شدند، اولیای آنها طاغوت‌ها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمت‌ها بیرون

می‌برند». «كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» (انعام، ۱۲۲) «همانند کسی است که در

ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد».

### تقابل دو گانه «نور و ظلمت» «خدا و شیطان»

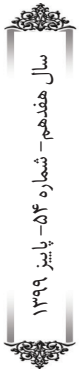
در آیه ۲۵۷ از سوره بقره (آیه‌الکرسی) آیه ۱۶ از سوره مائده، آیه ۱۱ از سوره طلاق، آیه ۱ و ۵ از سوره ابراهیم، آیه ۴۳ از سوره احزاب، آیه ۹ از سوره حدید، قرآن با تعریف دو گانه «نور و ظلمت»، فضایی را ترسیم می‌کند، که در آن خداوند، قرآن، پیامبران و فرشتگان الهی همواره مؤمنان را از تاریکی‌ها به سوی نور هدایت می‌کنند و در مقابل طاغوت‌ها با اضلال و گمراهی کافران، آنان را از نور به سوی تاریکی می‌کشانند.

در تمامی این آیات از واژه اخراج که گویای نوعی خاص از هدایت مؤمنان از تاریکی به سوی نور است استفاده شده است. در مفردات واژه اخراج به بیرون کشیدن طلا از معدن و مغز دانه از پوست تعبیر شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۲۳).

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره، ۲۵۷) «خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمت‌ها، به سوی نور بیرون می‌برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوت‌ها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمت‌ها بیرون می‌برند؛ آنها اهل آتش‌اند و همیشه در آن خواهند ماند».

بارزترین نوع تقابل «نور و ظلمت» در قرآن که موضوع پژوهش حاضر نیز هست، در آیه ۲۵۷ از سوره بقره به چشم می‌خورد که در آن از یکسو خداوند متعال به‌عنوان ولی مؤمنین، آنها را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج می‌کند، و از سوی دیگر شیاطین و طاغوت، موجبات اضلال و گمراهی بندگان را فراهم، و آنان را از قلمرو نور به سوی تاریکی خارج می‌نمایند. علامه طباطبایی در المیزان آورده است: خداوند در آیه ۲۵۷ از سوره بقره؛ هم ولایت تشریحی و هم ولایت تکوینی را منظور نظر داشته است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵/۶).

شیخ طوسی ذیل آیه ۲۵۷ از سوره بقره: «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» می‌فرماید: «معنایش خارج نمودن از ظلمات کفر به سوی نور ایمان است، زیرا کفر همچون تاریکی که مانع دید چشم است، مانع ادراک حق می‌شود، و اینکه فرمود: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» اخراج آنها را «از نور» که منظور همان ایمان است، به کفر و طاغوت اضافه نمود، زیرا با اغوا و دعوت طاغوت انجام پذیرفته و چون با اختیار خود انسان بوده واژه کفر و بکار برده است» (طوسی، ۱۹۹۴: ۳۱۴/۲).



## نور به معنای کتب آسمانی: قرآن، تورات و انجیل

سیاق آیه یکم از سوره ابراهیم و نیز آیه ۹ از سوره حدید، آیات ۱۵ و ۱۶ از سوره مائده، آیه ۹ از سوره حدید و دیگر آیاتی که در ادامه می‌آیند سیاق واحدی است و بر این نکته تصریح می‌کند که خداوند به وسیله قرآن و پیش از آن به وسیله دیگر کتب آسمانی مانند تورات و انجیل، مردم را از ظلمات و تاریکی‌ها به سوی نور راهنمایی کرده است. نور در این آیات همواره مترادف با این کتب آسمانی آمده و این بدان معنی است که آنها خود، نور یا عناصری از اقلیم نور هستند. در این آیات هر چند هدایت به قرآن و کتب آسمانی نسبت داده شده اما باید دانست که هادی حقیقی خدا است و آنها واسطه‌هایی گرمی و اسبابی هستند که برای احیای امر هدایت مسخر شده‌اند؛ واژه «بِإِذْنِهِ» در جمله «وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ» به همین دلیل آورده شده است. «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» (مائده، ۱۵) «ای اهل کتاب! پیامبر ما که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می‌کردید روشن می‌سازد، به سوی شما آمد؛ و از بسیاری از آن، صرف نظر می‌نماید. (آری)، از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد».

صاحب تفسیر مجمع البیان معتقد است که مصادیق نور و کتاب در آیه ۱۵ از سوره مائده به ترتیب پیامبر و قرآن است، زیرا مردم به وجود او هدایت می‌شوند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۲۵۴).

«يَهْدِي بِإِذْنِ اللَّهِ مَنِ اتَّبَعَ ضَوْأَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

(مائده، ۱۶) «خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنائی می‌برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید».

«هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ

رَحِيمٌ» (حدید، ۹) «او کسی است که آیات روشنی بر بنده‌اش [محمد] نازل می‌کند تا شما را از

تاریکی‌ها به سوی نور برد؛ و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم است».

«الرَّكَّابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم، ۱) «الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی به فرمان پروردگارشان درآوری، به سوی راه خداوند عزیز و حمید».

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (النساء، ۱۷۴) «ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم».

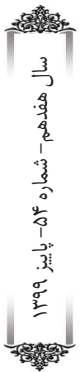
مراد از نور، چیزی به جز قرآن نمی‌تواند باشد، چون درباره‌اش فرموده: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا» ممکن است مراد از برهان نیز قرآن باشد و این دو جمله بنابراین مؤکد یکدیگرند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۷۱/۶).

«فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (تغابن، ۸) «حال که چنین است، به خدا و رسول او و نوری که نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید؛ و بدانید خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است».

«وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَنْهَدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شوری، ۵۲) «همان‌گونه که از امر خود بر تو روحی فرستادیم؛ تو پیش‌ازین نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست؛ ولی ما آن را نوری قرار دادیم که به وسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌کنیم؛ و تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می‌کنی».

قرآن کریم در آیات متعددی، از کتب آسمانی قرآن، تورات و انجیل به‌عنوان «نور» یاد نموده است، با استفاده از سیاق آیاتی که در آنها تقابل معنایی «نور و ظلمت» ترسیم شده بود به‌خوبی می‌توان به نقش و کارکردی که واژه نور در این آیات دارد واقف شد. خداوند در این آیات کتب آسمانی را به نور تشبیه و بر هدایتگری این انوار تأکید نموده است:

«وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا بَشَرًا مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَارِيسَ تُبَدِّلُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَ عَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ» (انعام، ۹۱) «آنها خدا را درست نشناختند که گفتند:



خدا، هیچ چیز بر هیچ انسانی، نفرستاده است! بگو: چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود؛ اما شما آن را به صورت پراکنده قرار می‌دهید؛ قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می‌دارید؛ و مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه پدرانتان، از آن باخبر نبودید! بگو: خدا! سپس آنها را در گفتگوهای لجاجت‌آمیزشان رها کن، تا بازی کنند».

«إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوُا اللَّهَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده، ۴۴) «ما تورات را نازل کردیم درحالی که در آن، هدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می‌کردند؛ و علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، دآوری می‌نمودند. بنابراین از مردم نهراسید و از من بترسید و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند، کافرند».

«وَ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (المائده، ۴۶) «ما به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و بعد از او، پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم؛ و به عیسی بن مریم دلایل روشن دادیم؛ و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم. آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی برخلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید؛ پس عده‌ای را تکذیب کرده، و جمعی را به قتل رساندید».

### خروج از تاریکی‌ها به سوی نور توسط پیامبران

نکته خاصی که در آیه ۱۱ از سوره طلاق و آیه ۵ از سوره ابراهیم دیده می‌شود، نقش ویژه پیامبران الهی به عنوان یکی از عناصر اقلیم نور در تقابل با تاریکی‌ها و هدایت بندگان به سوی نور است. در این آیات نقش هدایت و راهبری مردم از «ظلمات به سوی نور» به پیامبران بزرگ الهی از جمله پیامبر اسلام (ص) و موسی (ع) نسبت داده شده است.

«رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا» (طلاق، ۱۱) «رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، از تاریکی ها به سوی نور خارج سازد! و هر کس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد، او را در باغ هایی از بهشت وارد سازد که از زیر (درختانش) نهرها جاری است، جاودانه در آن می ماند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است».

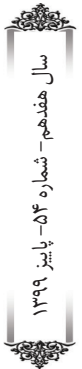
«خدا پیامبرش محمد را با قرآن فرستاد، تا آن را بر مردم بخواند و به وسیله آن، خردمندان را راه بنماید و آنان را از تاریکی های کفر و گناهان بیرون آورده، به نور حق و ایمان سوق دهد.» (مغنیه، ۱۳۷۸: ۵۴۹/۷).

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم، ۵) «ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ که قومت را از ظلمات به سوی نور بیرون آر و «ایام الله» را به آنان یادآور شو؛ در این امر نشانه هایی است برای هر صبرکننده شکرگزار».

### خروج از ظلمات به سوی نور توسط صلوات ملائکه

«هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (احزاب، ۴۳) «او کسی است که بر شما درود و رحمت می فرستد، و فرشتگان او (نیز) برای شما تقاضای رحمت می کنند تا شما را از ظلمات (جهل و شرک گناه) به سوی نور (ایمان و علم و تقوا) رهنمون گردد؛ او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است».

«صلوات خداوند در آیه ۴۳ از سوره احزاب به معنای رحمت خاصه او، صلوات ملائکه به معنای استغفار، و صلوات مردم به معنی دعای آنها است، لیکن این را نیز باید دانست که هر چند صلوات خدا به معنای رحمت است، اما نه هر رحمتی، بلکه رحمت خاصه او که ذخیره آخرت مؤمنین است، و سعادت و فلاح ابدی شان، مترتب بر آن است، و بدین جهت علت صلوات خدای تعالی را چنین بیان فرموده «لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون



آورد، چون او همواره نسبت به مؤمنین رحیم است» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۵۴۳/۱).

چنانکه در آیه ۴۳ از سوره احزاب مشاهده می‌نماییم، خداوند با افاضه رحمت خاصه به مؤمنین و فرشتگان با طلب استغفار برای آنها، زمینه برون‌رفتشان از ظلمات به سوی نور را فراهم می‌آورد، این ظلمات که بنا به نظر بسیاری از مفسران ظلمات جهل و شرک و کفر است، نقطه مقابل نور و در تقابل معنایی با آن قرار دارد. نکته حائز اهمیت در این آیه، نقش ملائکه به‌عنوان یکی از عناصر اقلیم نور در خروج مؤمنان در از تاریکی‌ها به سوی نور است.

### نور در قرآن در معنای ولایت رحمانی و دین حق

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه، ۳۲)  
 «آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران ناخشنود باشند».

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف، ۸) «آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هرچند کافران خوش نداشته باشند».

«معنای اینکه فرمود: يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ این است که کفار پنداشته‌اند نور خدا مانند نور شمع است که با یک پف کردن خاموش گردد، و همین‌که آن را متهم به سحر کنند، نورش خاموش گشته، رابطه‌اش با خدا قطع می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۴۳۰/۱۹).

در آیه ۳۲ از سوره توبه و آیه ۸ از سوره صف واژه نور به معنای ولایت رحمانی یا دین حق به کار رفته است که کافران برای خاموش کردن آن در تلاش‌اند، اما برخلاف میل کافران، خداوند نورش را به کمال می‌رساند. کلمه «نور» در آیات مذکور به الله اضافه شده، و این ترکیب اضافی «نورالله»؛ «نور او» یعنی نوری که مال اوست، و مراد آن نوری است که خدا آن را افاضه می‌کند، نه خود خداوند.

## تقابل نور و ظلمت در آتش کم فروغ منافقان

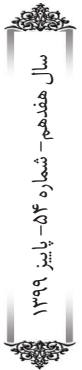
گاهی آتش منشأ نور و روشنایی می شود که البته نوری ضعیف بلکه پایین ترین مرتبه نور است. در آیه ۱۷ از سوره بقره به این موضوع اشاره و به عنوان تمثیلی از اعمال منافقان مطرح شده است. «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ» (بقره، ۱۷) «آنان [منافقان] مانند کسانی هستند که آتشی افروخته (تا در بیابان تاریک، راه خود را پیدا کنند) ولی هنگامی که آتش، اطرافشان را روشن ساخت، خداوند (طوفانی می فرستد و) آن را خاموش می کند؛ و در تاریکی های وحشتناکی که در آن چشم کار نمی کند، آنها را رها می سازد».

«مقصود کلام خدای تعالی از؛ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ؛ آگاه ساختن مؤمنان از وضع منافقان است، پس به تحقیق به سبب کفرشان، نور اسلام از ایشان رخت بریسته است؛ ممکن است منظور از ذهب الله بنورهم، نور منافقان در آخرت باشد، یعنی ایشان را (در آخرت) معذب می گرداند؛ زیرا خداوند برای مؤمنان در سرای آخرت نوری قرار داده و آن نور از کافران گرفته شده است؛ دلیل آن گفتار خداست «انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا» (حدید، ۱۳) «نظری به ما بیندازید تا از نور شما پرتوی برگیریم». (ابن ناقیا، ۱۳۷۴: ۶۱).

قرآن در آیه «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا» (بقره، ۱۷) با آوردن مثلی، وضع منافقان را مجسم ساخته و فرموده است: منافق مثل کسی می ماند که در ظلمتی سخت قرار گرفته، به طوری که خیر را از شر، و راه را از چاه تشخیص نمی دهد، و برای رفع آن ظلمت، دست به اسبابی می زند، تا آتشی روشن کند؛ چون آتش را روشن کرد، خدا به وسیله ای از وسایل، آتشش را خاموش، و دوباره به همان ظلمت قبلی گرفتار می شود، و بلکه این بار میان دو ظلمت قرار می گیرد، یکی ظلمت تاریکی و یکی هم ظلمت حیرت» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۸۷/۸).

## نور به معنای ایمان و بصیرت

«أَوْ مِنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام، ۱۲۲) «آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم، و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است





که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟! این‌گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می‌دادند، تزیین شده (و زیبا جلوه کرده) است.»

خدا این مثل را به‌منظور مقایسه میان مؤمن و کافر زده است؛ بدین ترتیب که مقایسه این دو همچون مقایسه مرده و زنده، روشنایی و تاریکی است؛ چراکه کافر مرده است و وقتی ایمان بیاورد، گویی زندگی دوباره به وی بازمی‌گردد، ایمان او همچون نوری است که با آن با آگاهی کامل در مسیر زندگی‌اش حرکت می‌کند؛ اما کسی که در کفر و شرک باقی بماند، مانند کسی است که در حیرت تاریکی بماند و در گمراهی حرکت کند و در سراسر زندگی‌اش به نیکی نرسد (مغنیه، ۱۳۷۸: ۳/۳۹۵).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (حدید، ۲۸) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد؛ و خداوند غفور و رحیم است.»

«أَقَمْنِ شَرَحَ اللَّهِ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ قَوْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أَوْلَيْكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (زمر، ۲۲) «آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته، همچون کوردلان گمراه است؟ وای بر آنان که قلب‌هایی سخت در برابر ذکر خدا دارند! آنها در گمراهی آشکاری هستند.»

فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ یعنی هر که مورد لطف خدای تعالی قرار گیرد تا او به اسلام نزدیک شود و ایمان آرد؛ چنین کسی بر دین قویم و صراط مستقیم باشد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۶/۳۱۵).

«وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ» (حدید، ۱۹) «کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند، آنها صدیقین و شهدا نزد پروردگارشان‌اند؛ برای آنان است پاداش (اعمال) شان و نور (ایمان) شان؛ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها دوزخیان‌اند.»

تفاسیر شیعی در این موضوع اشتراک نظر دارند که نور در آیات ذکر شده، به منزله روشن بینی و بصیرتی است که خداوند برای اهل ایمان قرار داده است تا به وسیله آن در دنیا و آخرت راهنمایی شوند. نکته‌ای که در این آیات نهفته است اینکه: نور و بصیرتی که همراه مؤمنان است از جانب خدا به آنان افزوده می‌شود و ثمره مجاهده و تقوای آنان است؛ چنین نیست که کسی بدون تقوای الهی و ایمان به آیات او، بتواند چنین بصیرتی را کسب کند.

### نور در معنای بهاء و چراغ اهل ایمان در روز قیامت

در آیه ۸ از سوره تحریم و آیه ۱۳ سوره حدید، نور به عنوان بهاء و فروغ اهل ایمان در روز قیامت مطرح شده است و منافقان که رهین اعمال زشت خود هستند، در آن روز فاقد هرگونه نور و بهاء بوده و از اهل ایمان طلب نور می‌کنند. سیاق آیه نشان می‌دهد نوری که اهل ایمان را در آخرت احاطه نموده و چراغ راه آنان شده است از جنس همان نور و بصیرتی است که در دنیا به آنها افزوده شده بود.

قرآن  
مفهم - شماره ۹۴ - زمستان ۱۳۹۹

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ تَوْرَهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ نَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (تحریم، ۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به سوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص؛ امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند؛ این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می‌گویند: پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانائی.»

«يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضَرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ» (حدید، ۱۳)

«روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: «نظری به ما بینکنید تا از نور شما پرتوی بگیریم! به آنها گفته می‌شود: به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید در این هنگام دیواری میان آنها زده می‌شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب.»

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (حدید، ۱۲) «روزی که مردان و زنان با ایمان را می‌نگری که نورشان پیش‌رو و در سمت راستشان به سرعت حرکت می‌کند، بشارت باد بر شما امروز به باغ‌هایی از بهشت که نهرها زیر (درختان) آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهید ماند! و این همان رستگاری بزرگ است.»

«در تفسیر قمی در ذیل آیه یَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ آمده: در روز قیامت نور در بین مردم طبق درجات ایمانشان تقسیم می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۹/۲۷۹).

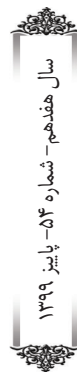
### نور به معنای نور خداوند در آسمان‌ها و زمین

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (نور، ۳۵) «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است؛ مثل نور خداوند مانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد، آن چراغ در حبیبی قرار گیرد، حبیبی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی؛ نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور شود؛ نوری است بر فراز نوری؛ و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند، و خداوند به هر چیزی داناست.»

کلمه «نور» در این آیه، به ضمیر خدا اضافه شده، و این ترکیب اضافی «نور او» یعنی نوری که مال اوست، و مراد وصف آن نوری است که خدا آن را افاضه می‌کند، نه خود خدا، «نور او» نوری است خاص که خدای تعالی آن را تنها به مؤمنین اختصاص داده و آن به طوری که از قرآن استفاده می‌شود همان حقیقت ایمان است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵/۱۹۵).

در تفسیر مجمع‌البیان آمده است: در معانی **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** اختلاف است؛ و وجوه مختلفی در این باره مطرح است، از جمله اینکه:

- الف- خدا هدایت کننده اهل آسمانها و زمین است.
- ب- خداوند به وسیله خورشید و ماه و ستارگان آسمانها و زمین را روشن می کند.
- ج- خداوند با فرشتگان زینت بخش آسمانها است و با پیامبران و علماء زینت بخش زمین است. اینکه در صفت خدا نور وارد شده، به خاطر این است که هر نفعی و هر احسان و انعامی از جانب خداست، و گفته شده نُورُ عَلٰی نُورٍ: حضرت محمد پیامبری است از نسل پیامبری.
- «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّهُ نَارٌ» یعنی عالم آل محمد(ص) به علم خود سخن می گوید، پیش از آنکه از او سؤال شود. «نُورُ عَلٰی نُورٍ» یعنی امامی از آل محمد مؤید به نور علم و حکمت امام دیگر است که از پی او می آید (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۷/۱۳۸).
- خواجه عبدالله انصاری در تفسیر کشف الاسرار، وجوه مختلفی را برای نور مطرح نموده است:
- ۱- نور به معنی هدایت، کقوله: اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ یعنی به نور او و هدایت او هر کس در آسمانها و زمین است هدایت می شود.
  - ۲- «مثل نوره» یعنی: الَّذِي يَقْدَفُهُ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ حَتَّى يَهْتَدِيَ بِهِ، نور او همان است که در دل مؤمن می اندازد تا با آن هدایت شود.
  - ۳- دیگر آن نوری است که به معنی نبی است، کقوله: «نُورُ عَلٰی نُورٍ» یعنی نبی مرسلی بعد نبی دیگر.
  - ۴- یکی دیگر از وجوه نور به معنی روشنایی روز، کقوله: وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ.
  - ۵- دیگر از معانی نور آنکه به معنی آن روشنایی است که مؤمنان را در صراط بود، کقوله: سَعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ (حدید، ۱۲) «نورشان در جلو و در سمت راستشان حرکت می کند». و قال: انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ (حدید، ۱۳) یعنی نمشی بضوئکم، و قال الله تعالی: يَقُولُونَ رَبَّنَا ائْتِمْنَا نُورَنَا
  - ۶- وجه دیگر نور به معنی بیان حلال و حرام و احکام و مواعظ، چنان که گفت: إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ (مائده، ۴۴) ما تورات را نازل کردیم که در آن هدایت و نور است (انصاری، ۱۳۷۱: ۷۸۶۷).



با عنایت به آرای تفسیری و شواهد و قرائن موجود، آیه ۳۵ از سوره نور حاوی نکاتی مهم چند است؛ الف: از آن جمله تمثیلاتی که خداوند برای معرفی و ترسیم «نور خود» استفاده نموده تمثیلی عام و عرفی است به نوعی که همگان می‌توانند آن را درک و تصور کنند چه اینکه در خود آیه هم به این موضوع اشاره شده؛ «وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ؛ خداوند این مثل‌ها را برای مردم بیان می‌دارد».

ب: دیگر آنکه قیدی که در آخر آیه در خصوص «نور خود» آمده «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ؛ خداوند هرکس را بخواهد با نور خود هدایت می‌نماید» بیانگر این است که منظور از این نور، نور طبیعی و حسی نیست زیرا که نور طبیعت را همگان چه مؤمن و چه کافر استفاده کرده و منعی و اختصاصی هم در استفاده از آن متصور نیست، نتیجه آنکه منظور از نور در آیه ۳۵ از سوره نور، نور «هدایت» و «ایمان» به خدا است که پیامبران الهی در طول تاریخ برای دعوت بدان تلاش نموده‌اند و نه نور طبیعی.

ج: بر این اساس در آیه مورد اشاره هرچند صحبتی از ظلمات نیست، لیکن به قرینه معنوی می‌توان معنای تقابلی «نور و ظلمت» را تصور نمود، و بهترین قرینه، در این زمینه عبارت «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ؛ خداوند هرکس را بخواهد با نور خود هدایت می‌نماید» است که به نور هدایت و ایمان به خدا اشاره دارد.

## بحث و نتیجه گیری

با مطالعه این مقاله نتایجی به شرح زیر حاصل می شود:

قرآن با الهام از تضاد و تقابل دوگانه «نور و ظلمت» در عالم طبیعت که از محسوس ترین پدیده‌ها برای ذهن بشر است، مفاهیم بلندی را پیرامون تقابل ولایت الهی با ولایت طاغوت، هدایت و ضلالت، خدا و شیطان و ... بیان کرده است. در شبکه معنایی که قرآن تعریف می کند واژه «نور» با الله، کتب آسمانی، پیامبران، فرشتگان، ایمان، هدایت و ... متجانس و کلمه «ظلمت» با شیطان، ولایت طاغوت، گمراهی، کفر و ... متناسب است.

واژه‌های نور و ظلمت در قرآن بر معانی و مفاهیم مختلفی اطلاق شده‌اند که از آن جمله است: الف: کاربرد واژه‌های نور و ظلمت به معنی پدیده‌ای از پدیده‌های طبیعی و آیتی از آیات الهی.

ب: کاربرد واژه نور در قرآن کریم به معنی خورشید و ماه.

ج: کاربرد واژه ظلمت به معنی تاریکی خشکی‌ها و دریاها.

د: کاربرد واژه ظلمت به معنی تاریکی‌های رحم مادر.

ر: کاربرد واژه ظلمت به معنی تاریکی شکم ماهی.

ز: کاربرد واژه‌های «نور و ظلمت» در استعاره از کفر و ایمان

س: کاربرد دوگانه «نور و ظلمت» در کنایه از گمراهی کفار و منافقان

ش: تقابل دوگانه «نور و ظلمت» و «خدا و شیطان»

ص: کاربرد واژه نور در قرآن کریم به معنی کتب آسمانی، قرآن کریم، تورات و انجیل

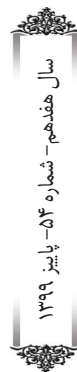
ض: خروج از ظلمات به سوی نور توسط پیامبران

ط: کاربرد واژه نور در قرآن به معنی ولایت رحمانی و دین حق

ظ: کاربرد واژه نور در قرآن کریم به معنی ایمان و بصیرت

ع: کاربرد واژه نور در قرآن کریم به معنی نور خداوند در آسمان‌ها و زمین.

هرچند قرآن کریم در قالب تمثیل و استعاره‌های زیبا، نوعی تقابل را بین «نور و ظلمت» به تصویر می کشد لیکن باید دانست که تقابل معنایی واژگان «نور و ظلمت» و دوگانه‌های همسو



با آنها، تقابلی نمادین و رمزی، و استعاره از تقابل ولایت رحمانی با ولایت شیطانی، هدایت و ضلالت و ایمان و کفر است. در قرآن کریم نور و ظلمت هر دو مخلوق اراده الهی بوده و از دو اقلیم جدا از یکدیگر نیستند تا یکی به خداوند و دیگری به شیطان تعلق داشته باشد. در منطق قرآن، هر گونه ثنویت و دوگانه‌پنداری در خصوص خالق مردود و هیچ‌گونه مبنای منطقی ندارد، کل جهان و نظام آفرینش، مخلوق خداوند و تحت اراده حق تعالی اداره می‌گردد.

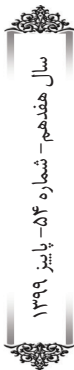
در جهان‌بینی اسلامی هیچ تقابل فیزیکی و عینی در مورد خدا و شیطان و ملائکه و شیاطین متصور نیست و گزارشی هم در این رابطه در روایات و متون دینی نیامده است. در واقع شیطان توانایی ابراز مخالفت و یا تقابل فیزیکی با اوامر تکوینی الهی را ندارد، چیزی که شیاطین بر آن قادرند القای وساوس و شبهه در مواجهه با اوامر تشریعی الهی و اضلال بشر از مسیر هدایت است. شیطان به‌مانند آنچه در برخی ادیان و مذاهب دیگر مشاهده می‌گردد، موجودی مستقل با قلمروی مستقل نیست، در مکتب توحیدی اسلام؛ ابلیس و شیاطین خود مخلوق خداوند بوده، به لحاظ فلسفی دارای فقر ذاتی و قدرت تقابل با خداوند و اوامر تکوینی او را ندارد.

حکمت تقابل شیطان با اوامر تشریعی الهی، لزوم تحقق سنت امتحان است که یکی از سنت‌های تغییرناپذیر خداوند است. عنصر اصلی و محوری این سنت، محک اختیار انسان و نحوه انتخاب آگاهانه اوست؛ بر همین اساس نیز به بندگان پاداش و یا عقاب داده می‌شود.

در بیشتر روایات تفسیری واژه‌های «نور و ظلمت» در آیات قرآن، بر هدایت، ایمان، پیامبران الهی، ائمه معصومین علیهم‌السلام و قرآن و دیگر کتب آسمانی اطلاق شده است. شایان‌ذکر است که با در نظر گرفتن حدیث ثقلین که قرآن و اهل بیت پیامبر(ص) را معادل یکدیگر و به عبارتی لازم و ملزوم هم معرفی نموده است تطبیق واژه «نور» بر هر یک از آنها به نظر توجیه منطقی و روایی دارد. نکته جالب توجه در مورد دو واژه «نور و ظلمات» آن است که در آیات قرآن، واژه نور همواره به صورت مفرد و ظلمات با صیغه جمع آمده است. مفسران معتقدند این موضوع بیانگر واحد بودن نور الهی و صراط مستقیم و تعدد و تکثر بی‌راهه‌های گمراهی و ظلمات شیطانی است.

### منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). محقق صبحی صالح. قم: مؤسسه دار الهجره.
- ابن ناقیه، عبدالله بن محمد (۱۳۷۴). *الجمان فی تسیبها للقرآن*. ترجمه علی میر لوحی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۱). *علل الشرائع*. ترجمه ذهنی تهرانی. قم: مؤمنین.
- ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغه* (۱۴۰۴ق). به کوشش عبدالسلام محمد هارون، ۶ جلدی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- حرّی، ابوالفضل (۱۳۸۸). فنون و صنایع ادبی در قرآن نویسندگان. فصل‌نامه پژوهش‌های قرآنی، ویژه‌نامه شماره ۵۹ و ۶۰.
- انصاری، عبدالله بن محمد (۱۳۷۱). *کشف الاسرار و عده الابرار*. تهران: امیرکبیر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). *مفردات الفاظ قرآن*. دمشق: دار القلم.
- سجادی، سید مهدی و عالیه کرد زعفرانلو (۱۳۹۴). دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، سال دوم شماره ۳، صص ۱۰۱-۱۲۶.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۳۷۲). *ترجمه تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العبادة*، ترجمه محمد رضاخانی و حشمت‌الله ریاضی، تهران: سر الاسرار.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ترجمه حسین نوری همدانی و دیگران. تهران: ناصرخسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۹۹۴). *تبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر التمعی*. قم: دار الکتب، چاپ سوم.





- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸). *تفسیر کاشف*. ترجمه موسی دانش. قم: بوستان کتاب قم.

